



عوامل اجتماعی و فرهنگی بی‌نظمی / توصیه حضرت علی به نظم

به همان اندازه که نظم انسانها را در رسیدن به کمال و موفقیت یاری می‌کند، بی‌نظمی، مایه عقب ماندن و ناکامی اجتماعی خواهد شد.

خبرگزاری مهر- به همان اندازه که نظم انسانها را در رسیدن به کمال و موفقیت یاری می‌کند، بی‌نظمی، مایه عقب ماندن و ناکامی اجتماعی خواهد شد.

هرکاری که ذهن و روان آدمی را آشفته و نگران سازد و آدمی از آن رنج ببرد لازم است انسان ابتدا آن را شناسایی و بعد به درمان آن بپردازد. بی‌نظمی را می‌توان نوعی بیماری روحی و روانی تلقی کرد. بی‌نظمی بازدهی زندگی آدمی را کم می‌کند و زمان گرانبها به آسانی تباه می‌شود. عوامل بی‌نظمی را می‌توان به چند علت نسبت داد که به برخی از این عوامل می‌پردازیم:

عوامل تربیتی

فرزندان از زمان کودکی تربیت صحیح و آموختن نظم و انضباط را در درون خانواده توسط پدر و مادر می‌آموزند از اینرو والدین نقشی بس بزرگ در منضبط شدن آنان دارند. طبع خودخواه آدمی اگر در پرتو تربیت و تهذیب در نیاید سبب به وجود آمدن و رشد آفت بی‌نظمی می‌شود از این جهت می‌توان برخی از بی‌نظمی‌ها را در عوامل تربیتی یافت.

عوامل روانی

افراد خسته و افسرده نمی‌توانند از شرایط لازم برای رعایت نظم و انضباط و مقررات در زندگی بهره ببرند. ضعف در مسائل روحی و روانی مثل: حسادت، بدبینی، میل به انتقام جویی و ... اینها همه می‌توانند پدیده‌ای به نام بی‌نظمی را به وجود آورند که خود نیز موجب آفت بی‌نظمی هستند پس عقل سالم در بدن سالم است. مثلاً اگر در محیط خانه فرزندان طلاق دچار خلأ عاطفی و روانی بشوند چنین فرزندی از رفتار پدر و مادر خود خشمگین و خسته می‌شود و در او روحیه بدبینی و انتقام جویی پدید می‌آید و تن به نظم و انضباط نمی‌دهد.

عوامل اجتماعی

ریشه برخی از بی‌نظمی را می‌توان در مشکلات اجتماعی جست معاشرت با افراد و دوستان بی‌نظم و تأثیرپذیری از آنان، خود می‌تواند سبب بی‌نظمی در زندگی بشود. بی‌نظمی در خانه، محل کار، کوتاهی در رعایت قوانین اجتماعی از جمله رفتارهای ناپسندی است که در اثر معاشرت با افراد بی‌نظم حاصل می‌شود. اجتماعی که نامنظم باشد و افراد از رعایت نظم و مقررات بی‌بهره باشند خود می‌تواند آفت بی‌نظمی در افراد جامعه باشد.

عوامل فرهنگی

نظم در یک جامعه وقتی به یک فرهنگ تبدیل شود و افراد نسبت به نظم و انضباط احساس نیاز کنند کم‌تر کسی حاضر به نقض مقررات و ضوابط در آن اجتماع خواهد شد. نبود رشد فرهنگی خود می‌تواند یکی از علل بی‌نظمی باشد که مسئولین مربوطه می‌توانند در این امر خطیر افراد جامعه را یاری رسانند از طریق رسانه‌های گروهی می‌توانند فرهنگ نظم را در بین افراد جامعه ترویج دهند با برنامه‌های مختلف تبلیغات وسیع و سودمند به همان اندازه که نظم انسانها را در رسیدن به کمال و موفقیت یاری می‌کند، بی‌نظمی، مایه عقب ماندن و ناکامی اجتماعی خواهد شد و نمی‌توان از آن جامعه انتظار رشد و شکوفایی داشت و نشاط از جامعه و افراد گرفته می‌شود.

بی‌نظمی مایه از دست رفتن فرصت‌های گرانبها و طلایی می‌شود و افراد در عمل ناکام می‌مانند و انسان بی‌نظم به دلیل سستی و تنبلی در بهره جستن از فرصت‌ها عمر خود را به بطالت از دست می‌دهد و بی‌نظمی موجب پشیمانی و حسرت خواهد شد و به همان اندازه که نظم مایه استحکام و انسجام و احتیاط در عمل می‌شود بی‌نظمی، مایه سستی و کوتاهی در عمل است و کسی که از سستی اطاعت می‌کند حقوق خود و افراد جامعه را ضایع و تباه می‌سازد.

هر چیزی را در زندگی باید پرورش داد و نظم هم یکی از نیازهای افراد و جامعه است که همگان باید در رشد و پرورش آن تلاش کنند. حضرت علی در این باره توصیه می‌فرماید: کار نیک اگر پرورش داده نشود کهنه گردد، همانند جامه کهنه و خانه متروک.